

## بحث: تقسیمات واجب

مرحوم آخوند تحت عنوان «امر ثالث» به تقسیمات واجب پرداخته‌اند. اولین تقسیم مطرح شده در کلام ایشان، تقسیم واجب به مطلق و مشروط است.

### تقسیم اول) تقسیم واجب به مطلق و مشروط.

مرحوم آخوند می‌نویسد:

«و قد ذکر لكل منهما تعریفات و حدود تختلف بحسب ما أخذ فیها من التیود و ربما أطیل الکلام بالنقض و الإبرام فی النقض علی الطرد و العکس مع أنها کما لا یخفی تعریفات لفظیة لشرح الاسم و لیست بالحد و لا بالرسم و الظاهر أنه لیس لهم اصطلاح جدید فی لفظ المطلق و المشروط بل یطلق کل منهما بما له من معناه العرفی کما أن الظاهر أن وصفی الإطلاق و الاشتراط وصفان إضافیان لا حقیقیان و إلا لم یکد یوجد واجب مطلق ضرورة اشتراط وجوب کل واجب ببعض الأمور لا أقل من الشرائط العامة کالبلوغ و العقل.

فالحری أن یقال إن الواجب مع کل شیء یلاحظ معه إن کان وجوبه غیر مشروط به فهو مطلق بالإضافة إلیه و إلا فمشروط كذلك و إن کانا بالقیاس إلی شیء آخر کانا بالعکس.»<sup>۱</sup>

### توضیح:

۱. تعریف‌های مختلفی از واجب مطلق و مشروط داده شده است.
۲. این تعریف‌ها مورد نقض و ابرام قرار گرفته است.
۳. این تعریف‌ها شرح الاسم است و تعریف به حدّ و رسم نیست، [حدّ تام: جنس و فصل / حدّ ناقص: فصل / رسم تام: جنس و عرض خاص / رسم ناقص: عرض خاص]
۴. ظاهراً اصولیون: همان تعریف عرفی از مطلق و مشروط را اراده کرده‌اند.
۵. اطلاق و اشتراط وصف‌های اضافی و نسبی هستند یعنی وجوب یک شیء نسبت به شیء اول مطلق است و نسبت به شیء دوم مشروط است.
۶. هیچ واجبی نسبت به همه شرائط مطلق نیست چراکه در همه واجبات حداقل بلوغ و عقل شرط شده‌اند.

۱. کفایة الأصول (طبع آل‌البیت)، ص ۹۴



۷. پس بهتر است بگوئیم هر واجبی در قیاس با چیزی که نسبت به آن ملاحظه می‌شود اگر وجوبش مشروط نیست، نسبت به آن مطلق است و اگر مشروط است، وجوب آن هم مشروط است (اگرچه ممکن است در قیاس با اشیاء دیگر به گونه دیگری باشد).

۸. [ضمیر «کانا» به مطلق و مشروط باز می‌گردد، یعنی دو واجب که نسبت به «الف» مطلق و مشروط هستند، ممکن است نسبت به «ب» برعکس باشند، توجه شود که بهتر بود عبارت چنین می‌بود: «و إن کان بالقیاس الی شیء آخر کان بالعکس»]

می‌گوئیم:

مرحوم شیخ انصاری به چند تعریف که بزرگان درباره مطلق و مشروط مطرح کرده‌اند، اشاره می‌فرماید:

فالأول علی ما عرفه به عمید الدین فی شرح التهذیب، هو: ما لا یتوقف وجوبه علی امر زائد علی الامور المعتبره فی التکلیف: من العقل و العلم و البلوغ و القدرة. و المشروط: ما کان وجوبه موقفاً علی امر آخر أيضاً. و عرفه التفتازانی و المحقق الشریف: بأنه ما لا یتوقف وجوبه علی ما یتوقف علیه وجوده، و المشروط: بما یتوقف وجوبه علی ما یتوقف علیه وجوده. و زاد بعضهم قید «الحيثية» فی الحدین.<sup>۱</sup>

۱. عمیدالدین در شرح تهذیب:

مطلق: آنچه وجوبش متوقف بر بیش از عقل و علم و بلوغ و قدرت نیست.

مشروط: آنچه وجوبش علاوه بر این امور، بر امر دیگری متوقف است.

۲. تفتازانی و میرسید شریف:

مطلق: آنچه وجوبش بر آنچه وجودش بر آنها متوقف است، متوقف نیست.

مشروط: آنچه وجوبش بر آنچه وجودش بر آنها متوقف است، متوقف است.

۳. ملا صالح مازندرانی، ملا احمد نراقی در مناهج الاحکام، سید ابراهیم قزوینی در ضوابط الاصول:

مطلق: [ما لا یتوقف الامر به علی مقدمه وجوده من حیث هو کذلک<sup>۲</sup>]

مشروط: [ما کان بخلافه]

۴. حیثیت را از این جهت آورده‌اند که بگویند:

۱. مطارح الأنظار (طبع جدید)، ج ۱، ص ۲۲۳.

۲. حاشیه معالم، مازندرانی، ص ۷۷.



وجوب «الف» اگر بر «ب» متوقف نیست از این حیث وجوبش مطلق است ولی ممکن است در عین حال وجوب «الف» بر «ج» متوقف شده باشد و لذا از این حیث مشروط و مقید است.

